



خانه کاغذی - آلبرت بیستمنآ - ۲۰۱۷

برلین (پدرو آلتسوس): مرگ فقط یک کلمه است، شامل تمام چیزهایی است که وجود ندارند و تجربه نمی‌کنی، اما زمانی که بمیری دیگر زنده‌بودنت را به خاطر نمی‌آوری.

آن چیزی که من نمی‌خواهم این است که قبل از زنده‌ماندنت بمیری.



تماشاگر

اجاره‌اتاق، در فرهنگ برلین



رضا صدیق

به بی‌منزل‌بودن عادت کرده بودم و از مواجهه با این واقعیت که به دلیل اقامت طولانی پیش‌رو در برلین باید خانه‌ای اجاره کنم، فرار می‌کردم. بالاخره اما نمی‌شد طی سال‌های پیش‌رویی که داشتم، در خانه رفیقم زندگی کنم. او حرفی نداشت و نه اینکه تعارف کند، واقعا حرفی نداشت و آخرش هم اگر می‌خواستم مزاحمش نباشم، می‌توانستم اتاقی از خانه‌اش را اجاره کنم و در اجاره‌خانه‌اش سهیم باشم. این موضوع یک فعل عادی در فرایند زندگی دانشجویی یا جوانان برلینی بود. بعدها فهمیدم که به کل این فرهنگ، در اروپا شکلی از زندگی است و افراد تنها یا مجرد به‌معنای عرفی اغلب برای زندگی‌کردن اتاق اجاره می‌کنند. سیستم این نوع فرهنگ هم این‌گونه بود که هال و آشپزخانه و توالت و حمام بخش عمومی به‌حساب می‌آمد و هر اتاق شکل یک خانه مجزا را در آن منزل بازی کرد. مثل زندگی در یک محله، یا شکل سنتی قدیمی زندگی در خاورمیانه که یک خانه بزرگ حیاط‌دار بود و اتاق‌هایش را خانوارها اجاره می‌کردند و زندگی می‌کردند. مدتی نیز چنین کردم، یعنی تجربه این‌نوع زندگی نیز برایم جالب بود. در این شکل زندگی لزوما این‌طور نبود که کسی که اتاق را اجاره می‌کند، بشناسی یا دوستی‌ای با او داشته باشی. از سایت‌های اجاره می‌شد موارد را دید، به طرف رنگ زد و دیدار کرد و به قولی اگر شیمی برخورد اولیه جور می‌شد، به مرحله بعد و صحبت درباره اجاره‌خانه می‌کشید. عموم جوانانی که عزم استقلال داشتند، چنین می‌کردند. یعنی نه لزوما دانشجویهای دیگر شهرها در برلین که خود جوانان ساکن برلین نیز بعد از آن زمان که گمان می‌کردند باید مستقل شوند و عموماً از شروع دوره دانشجویی، به چنین زندگی‌ای وارد می‌شدند. به‌واسطه نوع زندگی‌ای که داشتم و مراودات و تلاشم برای شناخت محیط، به بسیاری از این دست خانه‌ها رفتم. دوستی که تو را به خانه‌اش دعوت می‌کرد، به هم‌خانه‌هایش هم معرفی می‌شدی و به این واسطه از دل یک دوستی به دوستی‌های دیگری می‌رسیدی و در این فرایند مثل قدم‌زدن در یک کندوی عسل، با جمعیت بسیاری حشرونشر می‌کردی و مرادود. در این مراودات هم از ملیت‌های مختلف ساکن اروپا تا آفریقایی تا آسیایی و حتی شرق دور را می‌دیدي و گویی که با جمعی از ملل مرادود داری. از دل همین آشنایی‌ها هم گپ‌ها و بحث‌های مختلفی صورت می‌گرفت که درپچه‌ای برای فهم بیشتر محیط بود و آدم‌های ساکن از محیط، از افغانستانی‌ای که به دلیل محیط نژادپرستی آلمان عصبانی بود و بار بسته بود تا به افغانستان بازگردد و می‌گفت آترجا تکلیفت معلوم‌تر است بگیر تا دانشجوی فلسفه‌ای که از پاریس به برلین آمده بود و هنوز می‌گفت زبان فرانسه غنی‌تر از آلمانی است. همین گپ‌وگفت‌ها خودش رمانی است که روایت‌هایش را گاه فراموش کرده‌ام اما اثراتش را می‌توانم پس از آن دوران در خود حس کنم. یادآوری‌شان مثل تصویر یک عکس بدون صداست که صداهایش از ذهن پاک شده اما میزانس و اتمسفرش باقی مانده است.

گاه در نوشتن مواجهات هجرت روایت از دستم در می‌رود و یادم می‌رود که قرار بود از قصه منزل‌گرفتم بگویم. بالاخره با این واقعیت که باید منزلی تهیه کنم کنار آمدم. دوستانم کمک کردند و چند خانه را هماهنگ کردند و از بینشان، خانه شماره ۷۱ خیابان کرنزالی شد منزل‌گام. خانه‌ای با دو اتاق که با راهرو و آشپزخانه از هم جدا می‌شد. در و دیوارش سیاه بود و حتی تا آخرین روزها سکونت سه‌ساله‌ام در برلین، هر هفته برود تا با کمک یکی از دوستان رنگش کنیم. خانه‌ای که شد غارِ مرور تمام روزهایی که از بیرون به شب چهاردیواری‌اش می‌رسیدم تا صبح، از مرور آنچه در ذهنم می‌گذشت، طی می‌شد. هیچ‌گاه آن منزل، نتوانست خانه‌ام شود با اینکه دنج بود و بر اساس متر و معیار رفقای برلینی آلمانی‌ام خانه خوبی به حساب می‌آمد. دنجی‌اش هم حاصلی جز دل‌کندن از برلین نداشت. دلیل اینکه اتاقی در خانه دوستم اجاره نکردم اما عزم و تلاش برای پیداکردن خانه بود. گمان می‌کردم می‌توانم با نشستن در آن منزلگام، خانه‌ای بسازم و تا انجامش نمی‌دام، نمی‌فهمید که می‌شود یا نه. برای همین نیز انجامش دادم و حالا که پس از سال‌ها مرورش می‌کنم، می‌بینم که چه خوب شد تجربه‌اش کردم تا بدانم نمی‌شد خانه‌ای پیدا کرد در آن دیار.

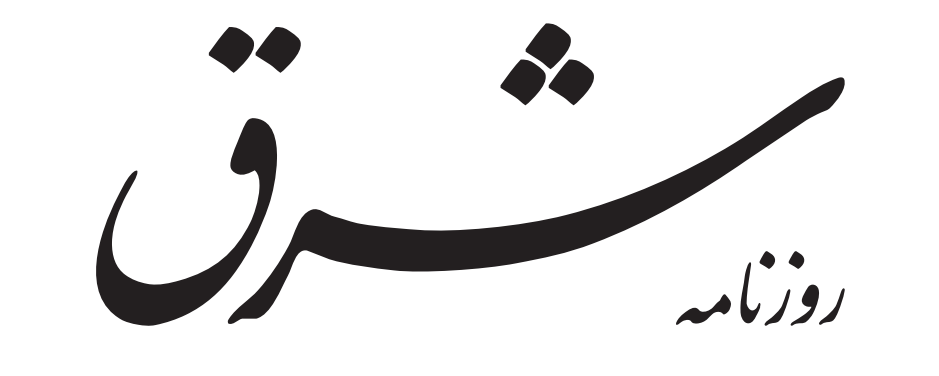
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۱ • ۱۰ ربيع‌الثانی ۱۴۴۴ • ۵ نوامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۱۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۴

اذان صبح فردا ۵:۰۵ • طلوع آفتاب ۶:۳۱



دیالوگ روز

گذری بر نیت‌مندی تغییر نام شهرک اکباتان



پویا نعمت‌اللهی

دکترای علوم ارتباطات اجتماعی و روزنامه‌نگار

برساخت‌های اجتماعی هستند که باید درون بافت اجتماعی‌ای که در آن به کار می‌روند، در نظر گرفته شوند. نام‌ها، زمان و مکان نمی‌شناسند اما زمان و مکان و افراد و بسیاری از چیزهای دیگر را می‌شناسانند. نام‌های خاص نشان‌های زبانی پیوندخورده به جامعه و بخش جدایی‌ناپذیر فهرست واژگان اجتماعی–زبانی هر جامعه‌ای هستند؛ بنابراین باید آنها را با توجه به آنچه پیرامونشان می‌گذرد، مطالعه کرد. به همین خاطر است که در هر کنش نام‌گذاری باید رابطه بین زبان و واقعیت فرازبانی مورد توجه قرار گیرد. به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری حکمیتی در بخش فرهنگی، ناظر بر نظم‌بخشیدن و اداره و تولید و توزیع فرآورده‌ها و کردارهای فرهنگی از طریق برخی استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها (نظیر همین راهبرد نام‌گذاری‌ها) است.

نگاهی سیاسی سعی دارد با استفاده از نامیزگذاری و غیریت‌سازی‌ها و همچنین شالوده‌شکنی نظام معنایی گفتمان رقیب، عملاً فرآورده‌های ساختاری گفتمان خود را بر مسند برتر نشاند و هویت‌های کانونی و حاشیه‌ای متناسب با خود را مفصل‌بندی کند.

به تعبیر فوکو، اساسا هر گفتمان به سوزه‌های موردنظر خود می‌گوید که چگونه جهان اطراف خود را دریاپند و چگونه فکر



شهر اکباتان

هنر خوانی

سووشون فیلم ارگانی

سیاست‌های جشنواره فیلم فجر هنوز اعلام نشده و تکلیف آن مشخص نیست، برخی ارگان‌ها پیشاپیش برای حضور در جشنواره برنامه‌ریزی کرده‌اند. مهدی‌محمد حسینی، مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس، گفت: «سریال «سووشون» به کارگردانی نرگس آبیار با تم ضدانگلیسی را در دست تولید داریم، همچنین فیلمی با موضوع اجتماعی درباره یک بوکسور را که شیفته شهید ابراهیم هادی شده است، در دست تولید داریم، دو پروژه دیگر که یکی با تم کمدی و طنز و با موضوع خانواده و دیگری نیز با موضوع شهید حاج قاسم سلیمانی عزیز را در برنامه‌هایمان قرار دادیم. یکی از مهم‌ترین این آثار فیلم سینمایی «ارس» است؛ فیلمی که دو سال زمان برای تحقیق و نگارش آن صرف شده، این فیلم روایت سه سرباز مرزبانی آذربایجان است که در مقابل ارتش شوروی مقاومت می‌کنند. ما در تلاش هستیم تا پنج فیلم سینمایی را به جشنواره فیلم فجر برسانیم». هنوز درباره بسیاری رئیس ستاد و معاون که این مقام مسئول اعلام کرده قرار است در جشنواره حضور داشته باشند، اطلاعی منتشر نشده. دراین‌میان «سووشون» ساخته نرگس آبیار به دلیل آسیب‌هایی که به باغ غنیف‌آباد یا باغ گلشن زده، به‌شدت مورد انتقاد فعالان میراث فرهنگی قرار گرفته است. این باغ که از اموال شخصی ایل ذوالقدر، حاکم فارس در زمان صفویه بود، شامل یک کاخ سلطنتی با قدمت قاجاری، یک باغ ایرانی و یک موزه سلاح‌های قدیمی، هم‌اکنون در اختیار ارتش است.

ناو با طعم تنلو

از سوی دیگر در این دیدار و هم‌اندیشی که در بنیاد روایت فتح برگزار شد، اعلام شد هفدهمین جشنواره فیلم «مقاومت» در خلیج فارس و روی ناو برگزار خواهد شد. از آخرین باری که ناوهای ایرانی به‌عنوان امکانی برای نمایش آثار فرهنگی

کنند، چه بسا اینکه گفتمان به ما می‌گوید که نام مناسب یا نامناسب کدام است. اینکه شهرک «اکباتان» خواهد به شهرک «آرمان» تبدیل شود، به این معناست که «نام» قرار است به رسانه‌ای تبدیل شود که پیام‌های ناگفته را منتقل کند و نه‌تنها در سطح خُرد انسان‌ها را از یکدیگر متمایز کند که در سطح کلان نیز عامل تفکیک اجتماعی باشد. اکنون تغییر نام مذکور به حوزه دلالت‌های ضمنی نیز کشیده شده است. دلالت ضمنی یک نشانه است که از دالّ یک نشانه با دلالت صریح حاصل می‌آید، بنابراین دلالت صریح به زنجیری از دلالت‌های ضمنی منجر می‌شود.

نام‌ها ممکن است در میان گروه‌های گوناگون اجتماعی دلالت‌های ضمنی متفاوتی داشته و از بارهای عاطفی و ارزشی متفاوتی برخوردار باشند. گذر زمان نیز می‌تواند دلالت‌های ضمنی و حتی صریح در نشانه‌های زبانی را تغییر دهد و خود این تغییر می‌تواند در میان گروه‌های مختلف اجتماعی متفاوت باشد. این باور حاکم شده که کنترل اسم‌ها مساوی کنترل واقعیت است؛ به عبارت دیگر اینکه به‌کارگیری و عدم به‌کارگیری یا تغییر در اسم‌ها منجر به تغییر واقعی و عینی در جهان خارج خواهد شد.



• کاکایی‌ها از جاذبه‌های گردشگری و نماد زنده‌بندر انزلی هستند که پروازشان زیبایی دوچندانی به شهر می‌بخشد. کاکایی، یک اسم بومی برای همه پرندگان سفیدرنگ است که به عنوان مرغ دریایی شناخته می‌شوند. عکس: مجتبی محمدی /ايرنا



نظر خوانی

راهکار قانونی بیان انتقادات

در چند روز گذشته سخنان رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های کشور درباره آمار معترضان به شرایط مورد توجه قرار گرفته است. حجت‌الاسلام مصطفی رستمی در نشست تشکل‌ها و فعالان فرهنگی دانشجویی دانشگاه‌های استان ایلام سخنرانی کرده و گفته بود در نظرسنجی میدانی انجام‌شده ۱۰ درصد مردم اغتشاش‌ها و ۵۵ درصد اعتراضات را تایید کرده‌اند.

از این‌افراد ۸۳ درصد اصلا در این اعتراضات شرکت نکرده‌اند، ولی با این وجود معترض‌اند. این‌افراد ۶۰ درصد مسائل اقتصادی و معیشتی را دلیل این اعتراض‌ها دانسته‌اند و همچنین بیش از ۲۰ درصد فساد اداری و اصلاح ساختار آن را بیان کرده‌اند؛ وقتی از این‌افراد سؤال شده است مطالبات شما چیست که باز هم ۵۹ درصد اصلاح معیشت، شش درصد رفع فیلتر را خواستار شده‌اند.

در شبکه‌های اجتماعی درباره این نظرسنجی سخنان و تحلیل‌های متفاوتی شده و آن ۸۳ درصد معترض مرکز توجه قرار گرفته است. بسیاری این نکته را یادآوری کرده‌اند که در انتخابات ریاست‌جمهوری رای حدود چهار میلیون یعنی حدود ۱۲ درصد شرکت‌کنندگان باطله محسوب شد. تعداد واجدان شرایط رای‌دهی در کل کشور برابر اعلام رئیس ستاد انتخابات کشور ۵۹میلیون و ۳۱۰هزار و ۳۰۷ نفر بود که متولدین ۲۸ خرداد ۸۲ و قبل از آن را شامل می‌شد و برابر آمار وزارت کشور حدود ۲۹ میلیون نفر در انتخابات شرکت کردند که از نظر درصد آماری با عدد ۴۸۰۰ درصد در انتخابات شرکت کردند و حدود ۱۸ میلیون یعنی حدود ۴۰ درصد واجدان شرایط به ابراهیم رئیسی رای داده بودند. در یکی دیگر از تحلیل‌ها آمده بود: تکتکه درخورتوجهی که جنبه تحلیلی این نظرسنجی از سوی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها را نشان می‌دهد علل و عواملی است که اعتراضات اخیر کشور را رقم زده است، در بیان علل اعتراضات ۶۰ درصد را به مسائل اقتصادی و معیشتی و ۲۰ درصد را به فساد ساختاری و اصلاح آن تحلیل و گزارش داده است. در واقع بخشی از بدنه حاکمیت کمیت اعتراضی و رقمی بیش از ۸۰ درصد جامعه را منتقد و معترض به سوءمدیریت در دهه‌های اخیر دانسته‌اند و این سؤال پرسیده شده بود که چرا ابعاد کیفی این ناراضی‌های عمومی مورد توجه قرار نگرفته و همچنین دولت علاقه‌ای برای شنیدن صدای مردم از خود نشان نداده است.

در یکی دیگر از سؤال‌هایی که مطرح شده بود این بود در حالی‌که اکثر شعارها بر مبنای زن و زندگی است، آیا تقلیل‌دادن دغدغه‌ها به سطح معیشت و اقتصاد می‌تواند نتیجه‌گیری مناسبی باشد؟

چرا بسیاری از جوانان شرکت‌کننده در این اعتراضات فارغ از باورها، جنسیت، قومیت به دنبال شکستن ساختارهای تبعیضی در این‌زمینه هستند. در یکی دیگر از تحلیل‌ها به این نکته اشاره شده که حتی در این شرایط هم بدفهمی و کج‌فهمی دولت به چشم می‌خورد و به‌گونه‌ای‌به مطالبات معترضان توجه نمی‌شود. همان‌طور که به این نظرسنجی نیز توجهی نشده بود. این نظرسنجی بیش از این اتفاقات در اوایل شهریور امسال، در فصلنامه دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است و به گفته یکی از کاربران شبکه‌های اجتماعی «به نظر می‌رسد کمترین تلاش و تدبیری برای کاهش معترضان و تبدیل‌نشدن ناراضیان غیرمعترض به معترضان انجام نمی‌شود». یکی از کاربران نیز به چند مورد از صفاتی که معترضان را به آن نسبت می‌دهند اشاره کرده است: فریب‌خورده دشمن، واجد مشکل جنسی، استفاده‌کننده از مشروبات الکلی، جدایی‌طلب، توده فاقد تمیز و فاقد فرهیختگی و فاقد فهم درست، «نجاجات» خواندن مردم توسط یک نماینده مجلس.

سپس این دغدغه مطرح شده است که آیا این شیوه‌های بیان و عمل مسئولان سبب آرامش‌بخشیدن معترضان می‌شود؟ آیا سبب نمی‌شود که حضور و اعتراض برای دیده‌شدن و به رسمیت شناخته‌شدن بیشتر و بیشتر شود؟ به نظر می‌رسد شنیدن مطالبات جوانان و همدلی و همراهی با آن در این شرایط می‌تواند از اولین گام‌های گفت‌وگو باشد. همان‌گفت‌وگویی که مسئولان و برخی چهره‌ها از آن صحبت می‌کنند و اتفاقاً در قطع‌نامه پایانی ۱۳ آبان نیز به آن اشاره شده و آمده است: «از مسئولین امر می‌خواهیم ضمن رسیدگی به مشکلات معیشتی و رفاهی مردم صف معترضان و اعتراضات بحق آنان را از معرضان جدا دانسته و راهکارهای قانونی بیان انتقادات را فراهم سازند».